



اهمیت دوری از افرادی که واقعیت‌ها را در نظر انسان وارونه جلوه می‌دهند

کسانی که واقعیت‌ها را در نظر انسان وارونه جلوه می‌دهند شباهت زیادی به سراب دارند و امیر مؤمنان علی (ع) مخصوصاً روی این مطلب تکیه فرموده که دروغگویان، دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌سازند.

کسانی که واقعیت‌ها را در نظر انسان وارونه جلوه می‌دهند شباهت زیادی به سراب دارند و امیر مؤمنان علی (ع) مخصوصاً روی این مطلب تکیه فرموده که دروغگویان، دور را نزدیک و نزدیک را دور می‌سازند.

به گزارش خبرنگار مهر، عظمت و بزرگی نهج البلاغه نه تنها از زبان علما و اندیشمندان مسلمان بلکه فراتر از دین و مذهب مورد توجه غیر مسلمانان هم بوده است و شخصیت‌های بزرگی در اعصار مختلف به صورت ویژه درباره نهج البلاغه نظرانی را بیان کرده اند. کتابی که نه فقط متعلق به شیعیان و مسلمانان بلکه حاوی دستورات و قوانین انسانی است که فارغ از مذهب برای زندگی بهتر بشریت بیان شده است.

کتاب نهج البلاغه که گردآوری بخشی از سخنان و مکاتبات امیرمؤمنان علی (ع) است، به دلیل داشتن مفاهیم و موضوعات، سیاسی منبعی برای حکمت اصول سیاسی اسلام است که توجه همگان را جلب کرده است.

میرزای شیرازی و محمد عبده از پیشگامان توجه به نهج البلاغه هستند. در انقلاب مشروطه نهج البلاغه نقش جدی داشت و این نقش برجسته نهج البلاغه را به وضوح می‌توان در کتاب مهم تنبیه الامه و تنزیه المله آیت الله نایینی مشاهده کرد. آیت الله مرتضی مطهری در کتاب نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر در خصوص تأثیر نهج البلاغه بر کتاب میرزای نائینی می‌گوید: انصاف این است که تفسیر دقیق، از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچکس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، میرزا محمدحسین نائینی توأم با استدلال‌ها و استشادهای متقن، از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی قیمت تنبیه الامه و تنزیه المله بیان نکرده است.

توجه دوباره به نهج البلاغه همزمان با آغاز نهضت اسلامی در اوایل دهه چهل شمسی است و با تأکید امام خمینی و تلاش‌های متفکران و پژوهشگران و فعالان نهضت اسلامی نظیر آیت الله طالقانی، آیت الله خامنه‌ای، شهید مطهری، محمدرضا حکیمی، محمدتقی شریعتی و علی شریعتی و... که در جنبش اسلامی ایران معاصر حضور جدی داشتند، از نهج البلاغه در اخذ اصول حکمت سیاسی اسلام بهره برده شد.

وَ قَالَ (عليه السلام) يَا أَيُّهَا الْحَسَنَ (عليه السلام):

يَا بُنَيَّ احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَ أَرْبَعًا، لَا يَصُرُّكَ مَا عَمِلْتَ مَعَهُنَّ: إِنَّ أَعْنَى الْعَتَى الْعَقْلَ، وَ أَكْبَرَ الْفَقْرِ الْخُمُقُ، وَ أَوْحَشَ الْوَحْشَةِ الْعُجْبُ، وَ أَكْزَمَ الْحَسَبِ خُسْنُ الْخُلُقِ. يَا بُنَيَّ إِتَاكَ وَ مُصَادَقَةُ الْأَخْمَقِ، فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ قَيْصُرُكَ؛ وَ إِتَاكَ وَ مُصَادَقَةُ الْبَخِيلِ، فَإِنَّهُ يَفْعُدُ عَنْكَ أَوْحَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ؛ وَ إِتَاكَ وَ مُصَادَقَةُ الْفَاجِرِ، فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ؛ وَ إِتَاكَ وَ مُصَادَقَةُ الْكَذَّابِ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

امام علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم! چهار چیز: و چهار چیز را، از من حفظ کن که با حفظ آن هر کار کنی به تو زیان نخواهد رسید؛ بالاترین سرمایه‌ها عقل است و بزرگ‌ترین فقر خُمق و نادانی است، بدترین وحشت خودپسندی است و برترین حسب و نسب اخلاق نیک است. فرزندم از دوستی با احمق برحذر باش، چرا که او می‌خواهد به تو منفعت رساند ولی زیان می‌رساند (زیرا بر اثر حماقتش سود و زیان را تشخیص نمی‌دهد) و از دوستی با بخیل دوری کن، زیرا به هنگامی که شدیدترین نیاز را به او داری تو را رها می‌سازد و از دوستی با انسان فاجر بپرهیز، چرا که تو را به اندک چیزی می‌فروشد و از دوستی با دروغ‌گو برحذر باش، چرا که او مثل سراب است؛ دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می‌سازد (و حقایق را به تو وارونه نشان می‌دهد).

آیت الله مکارم شیرازی در خصوص این حکمت می‌گوید: «آدم‌کذاب و بسیار دروغ‌گو خواه این رذیله اخلاقی اش ناشی از بی‌بند و باری و ضعف ایمان باشد یا بر اثر علاقه به منافع زودگذر خود، دوستی با او خطرناک است. گاه عوامل پیروزی برای رسیدن به یک هدف فراهم می‌شود؛ اما او با دروغ‌هایش رسیدن به آن را غیر ممکن و محال می‌شمرد و فرصت‌ها را از این طریق از دست می‌رود و گاه به عکس، کارهایی پیش روی انسان است که شرایط آن فراهم نشده و ورود در آن مایه شکست است؛ اما این دروغ‌گوی بی‌بند و بار چنان سخن می‌گوید که گویی فردا انسان به مقصود می‌رسد.

می دانیم سراب منظره ای است که در بیابان به هنگام گرمای هوا پیدا می شود و از دور چیزی شبیه آب به چشم می خورد (در حالی که بر اثر اختلاف فشردگی طبقات در آن هوای گرمای آفتاب عکس گوشه ای از آسمان آبی به روی زمین می افتد که انسان آن را آب می پندارد) ولی هنگامی که نزدیک می رود اثری از آب در آنجا نمی بیند. کسانی که واقعیت ها را در نظر انسان وارونه جلوه می دهند شباهت زیادی به سراب دارند و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مخصوصاً روی این مطلب تکیه فرموده که دروغگویان، دور را نزدیک و نزدیک را دور می سازند و این نوعی تغییر واقعیت است.

در احادیث اسلامی از مشاورت با کذاب هم نهی شده است: در غررالحکم از علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «با کذاب مشورت مکن که دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو دور می سازد؛ لَا تَسْتَشِيرَ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيَبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ».

حجت الاسلام حمیدرضا مهدوی ارفع پژوهشگر حوزه نهج البلاغه در خصوص این حکمت می گوید: امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای دروغگویی آثار و عواقب زشتی را توضیح می دهند:

یکی از آنها در زمان خودشان اتفاق افتاد؛ وقتی که برای جنگ جمل با طلحه و زبیر به بصره رسیدند، حضرت به آنس بن مالک فرمودند که تو جلوتر برو و سخنی را که پیامبر درباره چنین روزی به زبیر و طلحه گفته بودند به یادشان بیاور، شاید متنبه شوند و دست از فتنه گری بردارند. آنس بن مالک به دروغ گفت من چنین سخنی را از پیامبر به یاد نمی آید، حضرت اینگونه فرمودند که در حکمت ۳۱۱ آمده: «إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَضَرَبَكَ اللَّهُ يَهَا بَيْضَاءَ لَامِعَةٍ لَا تُؤَارِيهَا الْعِمَامَةُ»؛ اگر دروغ می گویی که سخن پیامبر را فراموش کردی، از خدا می خواهم چنان پیسی و سفیدی به صورتت بیفتد که با عمامه هم نتوانی بپوشانی. آورده اند که بعد از نفرین امام چنان بر صورت و سر او پیسی گرفتاری ایجاد کرد که حتی نقاب می زد برای اینکه دیده نشود.

اما اثر دیگری که این زشتی ها دارد این است که حضرت آینده زمان خودشان را چنان توصیف می کنند که یکی از بدترین ویژگی هایش این است که در خطبه ۱۸۷ می فرمایند: روزگاری به مردم می رسد که «تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِخْرَاجٍ»؛ بدون اینکه هیچ ضرورتی داشته باشد به راحتی و مفت دروغ می گویند.

همچنین مولا علی (علیه السلام) درباره رواج دروغ گویی در آینده امت اسلام در خطبه ۱۰۸ این دو جمله را دارند، می فرمایند: «تَحَابُّوا عَلَى الْكَذِبِ وَتَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ»؛ مردم به واسطه دروغگویی به هم محبت پیدا می کنند و بخاطر صداقت کسی، با او دشمن می شوند.

یا در همان خطبه ۱۰۸ بند ۷ می فرمایند: «غَارَ الصِّدْقُ وَ قَاضَى الْكَذِبُ»؛ صداقت منقرض و نایاب می شود، اما دروغگویی همه گیر و مُسری و جاری می شود.

آخرین نکته درباره کذب هم این است که حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۹۲ یک مصداق عجیبی برای دروغگویی بیان کردند و می فرمایند: وقتی هر چیزی را که به گوشت می رسد بیان می کنی، همین کفایت می کند برای اینکه تو دروغگو باشی، «وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ يَكُلُّ مَا سَمِعْتَ يَهْ»؛ با مردم هر چیزی را که به گوشت می رسد به زبان نیاور «فَقَفَى يَذَلِكَ كَذِبًا»؛ بخاطر اینکه این رفتار خودش کافی است برای اینکه دروغگو باشی.